حب الدنیا راس کل خطیئه

دنیا دوستی منشأ هرگناه است.

کتاب‌خوانی

«سیر نشانه‌های ظهور در تاریخ تشیع» در بازار نشر

کتاب «سیر نشانه‌های ظهور در تاریخ تشیع» نوشته سیدمحمد موسوی عبادی توسط انتشارات کتاب جمکران منتشر شد.

به گزارش قدس، علائم ظهور یا نشانه‌های ظهور و حوادثی که در آستانه ظهور یا قیام امام زمان(عج) رخ می‌دهند به دو دسته حتمی و غیرحتمی تقسیم می‌شوند. علائم حتمی، علائمی است که پیش از ظهور قطعاً اتفاق می‌افتد مانند صیحه آسمانی، خروج سُفیانی، قیام یَمانی، قتل نفس زَکیّه و خَسفِ بَیداء و نشانه‌های غیرحتمی علائمی است که بدون تحقق آن‌ها هم امکان ظهور امام زمان(عج) وجود دارد. در برخی از منابع روایی، نشانه‌های ظهور مهدی(عج) با علامت‌های برپایی قیامت آمیخته شده است.

برخی از اندیشمندان نشانه‌های ظهور مانند سفیانی و دجال را رمزی و نمادین دانسته‌اند. به عنوان مثال دجال را نماد انحراف از اسلام و سفیانی را نماد انحراف در جامعه اسلامی می‌دانند؛ اگرچه این نظر را خلاف ظاهر احادیث و لغو کارکرد علائم ظهور دانسته‌اند.

از آنجایی که مهدویت از مؤلفه‌های اصلی در مباحث کلامی شیعه امامیه است، بنابراین نشانه‌های ظهور نیز از موضوعات مهم مهدویت به‌شمار می‌رود. این نشانه‌ها اساساً روایت‌های پیشگویانه معصومان(ع) هستند برای آشنایی هرچه بیشتر با مسئله ظهور و شناخت امام زمان(عج) در هنگامه ظهور و قیام ایشان. اما در این میان و در طول تاریخ بوده‌اند مدعیان مهدویتی که برای سودجویی به کارهایی همچون نشر و ترویج یا جعل روایت‌ها دست زده، همچنین تطبیق‌های غلطی برای این جعلیات ارائه داده‌اند و گاهی اوقات حادثه‌ای که شبیه آن در احادیث بیان شده را نشانه ظهور دانسته‌اند. از آنجایی که مهدویت‌پژوهی در طول تاریخ تحولاتی را پشت سر گذاشته بنابراین نویسنده اثر «سیدمحمد موسوی عبادی» با مطالعه آثار به جا مانده از گذشته‌های دور تا امروز و با تکیه بر گزارش‌های تاریخی، سیر تطوّر روایات نشانه‌های ظهور را در منابع روایی متقدم و متأخر شیعه بررسی کرده تا روشن شود رخدادهای تاریخی‌ای که به اشتباه نشانه‌های ظهور فهم شده‌اند، چه ارتباطی با ظهور دارند؟ آیا این حوادث بحق علامت ظهور حضرت مهدی(عج) بوده‌اند یا خیر؟ این اثر، منبع مناسبی برای پاسخ به شبهات درباره نشانه‌های ظهور خواهد بود. در بخشی از کتاب می‌خوانیم: «از نیمه نخست سده اول هجری، جریان‌های مدعی مهدویت در مدینه شکل گرفت و در مدت کوتاهی، بسیاری از مناطق جهان اسلام را در برگرفت. این جریان‌ها را بیشتر سیاست‌گذاران اموی با تحریف احادیث حضرت مهدی(عج) و برخی احادیث درباره ملاحم، برای کسب قدرت به وجود آوردند. دلایل و شواهد نشان می‌دهد امویان با وجود انکار اصل مهدویت و مقابله با آن، در مواقع لزوم از آن استفاده ابزاری می‌کردند».

کتاب «سیر نشانه‌های ظهور در تاریخ تشیع» نوشته سیدمحمد موسوی عبادی را انتشارات کتاب جمکران به تازگی در ۲۲۸ صفحه و به قیمت ۹۰ هزار تومان وارد بازار کتاب کرده است.

نکته‌ها

حجت‌الاسلام حسین انصاریان

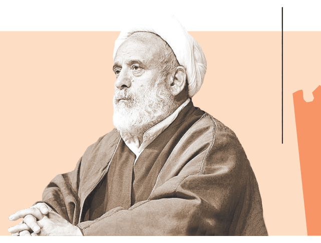

بشارت ملک‌الموت به مؤمن در وقت احتضار

یک داستان از یکی از دوستانم بگویم که هم استادم و هم دوستم بود و خیلی مطلب از او یاد گرفتم. زمستان بود و زیر کرسی نشسته بود؛ حالی داشت و در گریه کردنش‌هایش نصف حوله خیس می‌شد. کسی به دیدنش آمد (من خیلی به دیدنش می‌رفتم اما آن روز نرفتم) و این دوستم به او گفت: چه عجب! به دیدن من آمدی. گفت: پیش شما آمده‌ام که مرا آرام کنی؛ من خیلی از مرگ و قبر، برزخ و رفتن می‌ترسم. این دوستم گفت: برای چه؟ گفت: برای چه ندارد؛ برای مرگ، غسل، کفن و دفن می‌ترسم! گفت: برای چه می‌ترسی؟ اتفاقاً مرگ برای رفیق‌هایش خیلی راحت است.

آدم وقتی روایات را می‌خواند، ماتش می‌برد! ملک‌الموت که می‌خواهد جان مؤمن را بگیرد، خدا می‌گوید: وقتی می‌روی، کمال احترام را به او بگذار و از او اجازه بگیر؛ اگر هم اجازه نداد، جانش را نگیر و برگرد؛ اگر اجازه داد، جانش را بگیر.

من روایت‌ها را دیده‌ام؛ ۵۰ روایت بیشتر داریم. یکی از آن‌ها را هنوز ندیده‌ام که یکی از علمای بزرگ تهران برایم گفت؛ حالا آن را برایتان بگویم. ملک‌الموت می‌آید، سلام می‌کند و می‌گوید: مرا فرستاده‌اند که تو را ببرم؛ اجازه می‌دهی؟ بنده می‌گوید: نه! ملک‌الموت به پروردگار می‌گوید: بنده‌ات اجازه نمی‌دهد؛ چه‌کار کنم؟ خدا می‌فرماید: «وَ أَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِی کُنْتُمْ تُوعَدُونَ» (فصلت، آیه ۳۰) پرده را کنار بزن تا جای خود را در بهشت ببیند. پرده کنار می‌رود، «فَبَصَرُکَ الْیَوْمَ حَدِیدٌ» (ق، آیه ۲۲) جایش را در بهشت می‌بیند. بهشت که دیگر نمونه ندارد؛ اما باز هم می‌گوید نمی‌آیم! ملک‌الموت می‌گوید: خدایا! جای او را هم نشان دادم، اما می‌گوید نه. خدا می‌گوید: دوستانش را نشان بده. «فَادْخُلِی فِی عِبَادِی» (فجر، آیه ۲۹) پرده کنار می‌رود و پیغمبر(ص) را تا امام عصر(عج) می‌بیند؛ ولی در تمثل ۱۴ معصوم که به صف روبه‌روی محتضر ایستاده‌اند، پیغمبر(ص)، زهرا(س)، علی(ع)، حضرت مجتبی(ع) و زین‌العابدین(ع) را می‌بیند و بین این‌ها می‌بینند که یک بی‌سر هم ایستاده است. به ملک‌الموت می‌گوید: او چه کسی است؟ به او می‌گوید: یک عمر در دنیا با او رفیق بودی؛ او ابی‌عبدالله(ع) است. بنده می‌گوید: معطل نکن و مرا الآن ببر. این بی‌نهایت بزرگ بودن است.

لا یخاف عبد الا ذنبه و لا یرجوا الا ربه

بنده باید جز از گناهانش نترسد و جز به خدا امید نبندد.

زاویه دید

ادراکات انسانی باید توسط رهبران الهی هدایت شود

دکتر مصطفی فقیه اسفندیاری در خصوص دلایل تأکید ساماندهی فضای مجازی توسط رهبر معظم انقلاب و نسبت آن با انقلاب فرهنگی می‌گوید: «امروزه در زمینه ادراکات انسانی در حوزه‌های حسی، خیالی، عقلی و... کارگردان‌ها و گردانندگان این گونه حوزه‌ها، کسانی هستند که فضای مجازی که در واقع فضای حقیقی زندگی انسان‌ها شده است را در دست دارند. اینکه رهبر معظم انقلاب سال‌های گذشته حتی در دهه ۷۰ شمسی، مسئله شبیخون فرهنگی را مطرح کرده‌اند و بعد در دو دهه گذشته، بارها بر ساماندهی فضای مجازی تأکید کرده‌اند، یکی از دلایل این تأکید مبتنی بر همین مسئله فکری و فلسفی است. ادراکات انسانی باید توسط رهبران الهی هدایت شود، یعنی باید از درگاه‌های ادراکی انسان همواره مراقبت شود.

مثلاً در زمینه تربیت همه‌جانبه فرزندان طبق یک تقسیم کار اجتماعی، بخشی از این موضوع را والدین (پدر و مادر) در منزل برعهده می‌گیرند و بخشی به مدارس و دانشگاه‌ها، وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم، وزارت بهداشت، آموزشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها و... سپرده می‌شود. در واقع بخشی از درگاه‌های ادراکی فرزندان را والدین به مدارس، دانشگاه‌ها و... می‌سپارند. حالا اگر خدایی نکرده، نیروی انسانی و متون و منابع در دست این نیروی انسانی، مبتنی بر آموزه‌های وحیانی و الهی نباشد، هر چند ما مدعی انقلاب فرهنگی باشیم، اما انقلاب فرهنگی اسلامی صورت نمی‌گیرد. امروزه نیاز است که بازگردیم به اصلاح از درون و پویایی زیرساخت‌های فرهنگ و نو به نو شدن آن‌ها و باید دائم این حوزه را رصد کنیم. البته هم اکنون اسم فضای مجازی بسیار معروف و مشهور شده اما در واقع این فضا، یک فضای حقیقی است که وارد زندگی انسان‌ها، خانواده‌ها، فرزندان و جوامع بشری شده است. پس نسبت به این فضای حقیقی زندگی که مستقیم ادراکات ما و فرزندان و خانواده‌ها را تحت تأثیر قرار داده است باید از هر حوزه دیگری حساس‌تر باشیم، زیرا با اندیشه، فکر و تفکر، اذهان انسان‌ها، تربیت و ادراک انسان‌ها و... سروکار دارد».

دکتر مصطفی فقیه اسفندیاری به مناسبت سالروز تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی

در گفت‌وگو با قدس مطرح کرد

انقلاب فرهنگی با معرفت در زیارت

محمدحسین مروج کاشانی: «فرهنگ عرصه عریضی است که همه شئون زندگی انسان را در برمی‌گیرد. این فرهنگ زمانی می‌تواند جایگاه حقیقی خود را پیدا کند که انسان در درون خودش، جایگاه حقیقی و واقعی عقل خود را پیدا کند و عقلش فرمانروای وجود خودش باشد. البته این حاکمیت هم در نتیجه تربیت عقل و زیر نظر آموزه‌های وحیانی، اسلامی و دینی انجام می‌شود و زیارت بامعرفت با تربیت صحیح عقلانی محقق می‌شود». این‌ها بخشی از سخنان حجت‌الاسلام والمسلمین «دکتر مصطفی فقیه اسفندیاری» دانش‌آموخته مقطع دکترای رشته فلسفه و کلام اسلامی، معاون فرهنگی و دانشجویی دانشگاه علوم اسلامی رضوی و عضو هیئت علمی این دانشگاه است که به مناسبت نوزدهم آذرماه، سالروز تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی به فرمان حضرت امام خمینی(ره) با او به گفت‌وگو نشستیم. در ادامه بخش‌هایی از این گپ و گفت را می‌خوانید.

■ موضوع و مقوله انقلاب فرهنگی چه جایگاهی در یک نهاد منتسب به دستگاه حضرات معصومین(ع) مانند آستان قدس رضوی دارد و باید چه نقشی ایفا کند؟

در باور دینی خودمان اعتقاد داریم در هنگام ورود به مشاهد مشرفه و حرم‌های مطهر حضرات معصومین(ع) این بزرگواران صدای ما را می‌شنوند و به سلام ما پاسخ می‌دهند و ما را می‌بینند. وجود و ساحت مقدس امام معصوم(ع) پس از شهادت خود، آن هدایتگری را همچنان براساس حقیقت وجود مبارک خودش انجام می‌دهد، ولی این بار تحت یک موضوع فرهنگی با عنوان «اصل زیارت» که یک اصل از اصول مرتبط با آموزه‌های اسلامی و مرتبط با حوزه امامت و زیرمجموعه آن است، انجام می‌شود. البته باید توجه داشت اصل زیارت فقط مربوط به دوران شهادت و وفات امام معصوم(ع) نیست و به دوران حیات و زندگی دنیوی امام معصوم(ع) هم مربوط می‌شود. بنابراین اصل زیارت یکی از اصول تربیتی است در حوزه تربیت اخلاق و سایر حوزه‌های تربیتی. پس پیروان ائمه اطهار(ع) بنا به ادله متقن و استوار که وجود دارد باید در زمان حیات مبارک این بزرگواران چنانچه شرایط و امکانات برایشان مقدور و میسر باشد، به زیارت و دیدار آنان بروند، پس از شهادت امام معصوم(ع) هم با آن گستره مفهومی زیارت و آثارش، باید با امام معصوم(ع) و این انسان صالح و برگزیده خداوند متعال، این ارتباط را داشته باشند.

■ پرسش این است که خود پدیده فرهنگی زیارت چگونه می‌تواند در فرایند انقلاب فرهنگی دخالت داشته باشد؟

این یک پرسش اساسی است که با توجه به اینکه امامان معصوم(ع) چه در زمان حیات دنیوی و چه پس از شهادت، تکلیف هدایت و راهبری زندگی انسان‌ها را بر عهده دارند، اگر ما در زمان حیات دنیوی امام معصوم(ع) به عنوان یک کارگزار دستگاه امامت و ولایت حضور می‌داشتیم و برای ایشان و اهداف مقدس حضرات معصومین(ع) فعالیت می‌کردیم چگونه تلاش می‌کردیم؟ آیا پس از شهادت و زندگی دنیوی حضرات معصومین(ع)، اهداف و وظایف امام معصوم(ع) تغییری کرده است؟ قطعاً پاسخ این است که هیچ تغییری در این اهداف حاصل نشده است بلکه دستگاه امامت و ولایت همچنان وجود و حضور دارد اما پس از شهادت این بزرگواران در قالب دیگری با عنوان بارگاه و حرم مطهر و آستان مبارک، این دستگاه امامت و ولایت وجود دارد، پس آن اهداف هدایتگری امام معصوم(ع) همچنان هست و بلکه وظایف کارگزاران، کارکنان و خدام این بارگاه‌های مقدس نیز سنگین‌تر، حساس‌تر، مهم‌تر و دقیق‌تر وجود دارد، در نتیجه کارگزاران هم باید در انجام این وظایف و رسیدن به اهداف مربوط نیز دقیق‌تر و حساس‌تر عمل کنند. بنابراین بحث زیارت و بارگاه مطهر حضرات معصومین(ع) نقش مهمی در تبیین و اجرای مفهوم انقلاب فرهنگی می‌توانند ایفا کنند. مطابق آموزه‌های دینی و اسلامی، قرآن کریم و وجود مقدس حضرات معصومین(ع) برای هدایت و راهنمایی همه انسان‌ها و بلکه همه موجودات عالم هستند و این موضوع مختص به دین و مذهب و قوم و نژاد و گروه و دسته و فرهنگ خاصی هم نیست و به اصطلاح کسی نباید و حق ندارد درک فیض و بهره‌مندی از آموزه‌های قرآن کریم و آموزه‌های حضرات معصومین(ع) را به طور اختصاصی و در راستای مصادره فکر، اندیشه، تفکر و جایگاه خود قرار دهد زیرا قرآن و اهل بیت عصمت و طهارت(ع) برای هدایت و راهنمایی عموم مردم به معنای حقیقی کلمه «ناس» یعنی عموم مردم آمده‌اند.

سیده محدثه حسینی فراش

■ نتیجه این هدایت و تحت تربیت امام معصوم بودن، در نسبت با انقلاب فرهنگی چه می‌شود؟ چه شاخصی را باید در این خصوص مدنظر قرار داد؟

انسان‌ها زمانی مخاطب خداوند شدند که عقل پیدا کردند. یکی از مهم‌ترین رسالت‌های قرآن، انبیا(ع) و امامان معصوم(ع)، تربیت عقلانی انسان‌هاست یعنی به انسان‌ها بفهمانند که عقل دارند و زندگی را باید بر مبنای عقل تنظیم کنند. در همین ارتباط امیرالمؤمنین علی(ع) در بیان اهداف رسالت انبیا(ع) تعبیر مهمی دارند که «... ویثروا لهم دفائن العقول...» امام معصوم(ع) و انبیای الهی به اراده الهی، انسان‌ها را به فطرت انسانی و سرشت پاک انسانیت و گنجینه‌های گرانبهای دفینه عقول در وجودشان راهنمایی و هدایت کنند. همه ارزشمندی انسان به ادراکات آن است و ارزشمندترین و بالاترین ادراکات انسان، ادراکات عقلی اوست. پس اگر انسان از ادراکات حسی و خیالی عبور نکند و بالاتر نرود، هنوز به ارزش‌ها و مرحله والای انسانی نرسیده است پس وظیفه انبیا و اولیای الهی و ائمه اطهار(ع) تربیت عقلانی انسان است. اگر تربیت عقلانی صحیح در انسان شکل بگیرد، انسان در معاش و معات و زندگی مشکلی ندارد.

بنابراین در آستان‌های مبارک حضرات معصومین(ع) و از جمله تشکیلات آستان قدس رضوی هم اگر ما بخواهیم به تکلیف خودمان در زمینه انقلاب فرهنگی که انقلابی برای همیشه و در هر مکان است، توجه کنیم، باید همه مراکز، نهادها و مؤسسه‌های آستان قدس رضوی دست به دست یکدیگر دهند تا بتوانند در حوزه گسترده فرهنگ و زیرمجموعه‌های آن، نگاه گسترده و عمیق داشته باشند.

■ پس باید مهم‌ترین رسالت و مأموریت آستان قدس رضوی را فرهنگی دانست؟

بله، آستان قدس رضوی هم به عنوان یک مجموعه فرهنگی و مذهبی وابسته به تشکیلات بارگاه مقدس حضرت رضا(ع) که در شرایط حکومت و حاکمیت اسلامی فعالیت می‌کند، جدای از شرایط و مجموعه جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی ایران نیست، اما یک مجموعه اثرگذار است که در فرهنگ اصیل ایرانی و اسلامی تأثیر می‌گذارد. زیارت و آموزه‌های اسلامی در انقلاب فرهنگی تأثیر دارد، یک زائر بامعرفت زمانی به زیارت بامعرفت نائل می‌شود که تحت آموزه‌های اصیل اسلامی و دینی تربیت شود و در او انقلاب فرهنگی رخ دهد. بنابراین فرهنگ عرصه عریضی است که همه شئون زندگی انسان را در برمی‌گیرد. این فرهنگ زمانی می‌تواند جایگاه حقیقی خود را پیدا کند که انسان در درون خودش، جایگاه حقیقی و واقعی عقل خود را پیدا کند و عقلش فرمانروای وجود خودش باشد. البته این حاکمیت هم در نتیجه تربیت عقل و تحت نظر آموزه‌های وحیانی، اسلامی و دینی انجام می‌شود و زیارت بامعرفت با تربیت صحیح عقلانی محقق می‌شود. بنابراین زائر زمانی امام(ع) را با معرفت صحیح زیارت می‌کند که بتواند خودش را ابتدا به طور صحیح بشناسد.

اگر این انسان بتواند خودش را با عقل سلیم و تربیت عقلانی صحیح درست بشناسد، آنگاه می‌تواند خدای متعال، پیامبران و حضرات معصومین(ع) را درست بشناسد، اینجاست که برای یک زائر، آن معرفت حقیقی رخ می‌دهد و زمانی که این زائر حتی زمانی که از حرم مطهر و بارگاه حضرات معصومین(ع) از نظر بعد مکانی، فاصله و مسافت پیدا می‌کند و دور می‌شود باز هم امام معصوم(ع) را ناظر و شاهد بر اعمال، رفتار، گفتار، عقاید و سبک زندگی فردی و اجتماعی خود می‌داند.

نقطه نظر

رسالت انبیا علیهم‌السلام ایجاد خیزش‌های فرهنگی در جوامع و ملل بود

دکتر مصطفی فقیه اسفندیاری معتقد است همه تعالیم و آموزه‌های دینی و الهی مبتنی بر مقوله فرهنگ است. او در این خصوص می‌گوید: اساساً انقلاب فرهنگی رسالت انبیای الهی بوده و وظیفه اساسی انبیا(ع) ایجاد یک جنبش و خیزش فرهنگی در جوامع، افراد و ملت‌ها بوده است. اگر به وضعیت زندگی مردم در دوران جاهلیت در جزیره‌العرب و حجاز نگاه کنیم، مردم آن دوران در همه شئون فردی و اجتماعی، تربیتی، اخلاقی، اعتقادی و... در زندگی خود، گرفتار بودند و وضعیت مطلوب و پسندیده‌ای نداشتند. دختران خود را زنده به گور می‌کردند، بت‌های دست‌ساز خود را به عنوان خدا و پروردگار پرستش می‌کردند. چنین انسانی در این وضعیت که گرفتار انواع آسیب‌های فکری، ذهنی، فردی، فرهنگی، عقیدتی و... هست، نیازمند یک انقلاب از درون خود است که این انقلاب نامش انقلاب فرهنگی است.

بنابراین انقلاب فرهنگی تنها مخصوص مباحث علمی و آموزشی، پژوهشی، هنری، سیاسی و... نیست. هر چند ما باید در کنار این موضوع از آسیب‌های غرب‌زدگی در زمینه‌های علمی، فرهنگی، آموزشی، پژوهشی و... نیز خودمان را نجات دهیم. بنابراین گستره وسیعی در فرهنگ و انقلاب فرهنگی با توجه به توضیحات ارائه شده وجود دارد حتی امروز هم ما نیازمند انقلاب فرهنگی هستیم.

نکته اساسی اینجاست که فرهنگ، بیش و پیش از اینکه در خارج از وجود انسان شکل بگیرد، در ذهن انسان‌ها شکل می‌گیرد. مقولات فرهنگی در همه عرصه‌ها پیش از حضور و ظهورشان در عالم خارج، پیشتر در ذهن انسان‌هاست. همه ارزشمندی انسان به ادراکات اوست، یک انقلاب فرهنگی ممکن است در یک جامعه کمونیستی، سوسیالیستی، لیبرالیستی و... هم صورت بگیرد و سردمداران و رهبران این گونه جوامع هم براساس باورهای خودشان ممکن است به یک شرایط و نیازهایی برسند که باید در جوامع آن‌ها هم یک انقلابی رخ دهد. پس انقلاب فرهنگی هم مانند بسیاری از پدیده‌ها و مقولات ممکن است جنبه الهی و یا غیرالهی داشته باشد. کسانی می‌توانند در جنبش‌های فرهنگی و پایه‌ای (چه الهی و چه غیرالهی) موفق و چیره‌دست باشند که بر ذهن و عقل انسان‌ها و ادراکات انسان‌ها مسلط باشند.

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی نوشهر

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰،۹،۲۰ املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی نوشهر مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلامعارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می گردد

املاک متقاضیان واقع در قریه صلاح الدین کلا پلاک ۱ اصلی بخش ۴ قشلاقی

۴۵۵ فرعی آقا , خانم شهربانو بالی فرزند نبی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۲۳۹،۴۰ مترمربع خریداری بدون واسطه , با واسطه از محمد تقی درویش نائیج

لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آئین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه محلی کثیرالانتشار در شهرها منتشر و در روستاها علاوه بر انتشار آگهی رای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت مینماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست. بدیهی است برابر ماده ۱۳ آئین نامه مذکور در مورد قسمتی از املاکی که قبلا اظهار نامه ثبتی پذیرفته نشده واحد ثبتی با رای هیات پس از تنظیم اظهارنامه حاوی تحدید حدود مراتب را در اولین آگهی نوبتی و تحدید حدود به صورت همزمان باطلاع عموم میرساند و نسبت به املاک در جریان ثبت و فاقد سابقه تجدید حدود واحد ثبتی آگهی تحدید حدود را به صورت اختصاصی منتشر می نماید.

م الف ۱۴۱۶۱۷۴ آ-۴۰۱۱۱۵۵۳

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱،۰۹،۰۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱،۰۹،۱۹

صفر رضوانی رئیس اداره ثبت اسناد و املاک نوشهر

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی لاریجان

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰،۰۹،۲۰ املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی لاریجان مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلامعارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می گردد:

املاک متقاضیان واقع در قریه قلعه دختر پلور پلاک اصلی ۴۹ بخش ۷

۲۰ فرعی از ۳ فرعی : آقای محمد علی مختاری فرزند حسن نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۱۰۸.۶۴ مترمربع بدون واسطه از رای صادره از شعبه اجرای احکام مدنی شورای حل اختلاف بخش لاریجان

املاک متقاضیان واقع در قریه پلور پلاک اصلی ۵۳ بخش ۷

۳۷۱۶ فرعی از ۷۰۵ فرعی : آقای سید میلاد حسینی فرزند سید مهدی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۴۱۵.۶۱ مترمربع خریداری بدون واسطه از خانم هاجر صالحی

۳۷۱۷فرعی‌از ۱۰۰فرعی:آقای‌عباس‌نژادفرزندغلامعلی‌نسبت‌به‌ششدانگ‌یک‌قطعه‌زمین با‌بنای‌احداثی به‌مساحت ۳۶۰ مترمربع خریداری‌بدون‌واسطه‌از‌آقای‌عباسقلی نادعلیان

۳۷۱۸فرعی‌از ۱۰۰فرعی:آقای‌عباس‌نژادفرزندغلامعلی‌نسبت‌به‌ششدانگ‌یک‌قطعه‌زمین با‌بنای‌احداثی به‌مساحت ۳۰۰ مترمربع خریداری‌بدون‌واسطه‌از‌آقای‌عباسقلی نادعلیان

۳۷۱۹فرعی‌از ۱۰۰فرعی:آقای‌عباس‌نژادفرزندغلامعلی‌نسبت‌به‌ششدانگ‌یک‌قطعه‌زمین با‌بنای‌احداثی به‌مساحت ۴۱۱ مترمربع خریداری‌بدون‌واسطه‌از‌آقای‌عباسقلی نادعلیان

۳۷۲۰ فرعی از ۹۵ فرعی : آقای قاسم صداقت صباغ فرزند حسین نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۳۳۵.۵۰ مترمربع خریداری بدون واسطه از آقایان اسحاق کریمیان و ابراهیم نایبج

املاک متقاضیان واقع در قریه حاجی دلا پلاک اصلی ۲۹ بخش ۸

۳۵۷ فرعی از ۱۱ فرعی : خانم حمیرا احمدی فرزند قربان نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۹۳ مترمربع خریداری بدون واسطه از آقای مرتضی اکبری

۳۵۸ فرعی از ۱۰۸ فرعی : آقای قاسم اکبری فرزند مصطفی قلی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۳۷۵.۲۰ مترمربع خریداری بدون واسطه از آقای منوچهر و محمد افضلی

لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آئین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه محلی , کثیر الانتشار در شهرها منتشر و در روستاها علاوه بر انتشار آگهی رای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند معترض باید ظرف یک